

سیمای ابوالفضل(ع)

هم چهره عباس زیبا بود، هم اخلاق و روحیاتش. ظاهر و باطن عباس نورانی بود و چشمگیر و پرجاذبه. ظاهرش هم آیینۀ باطنش بود...



هم چهره عباس زیبا بود، هم اخلاق و روحیاتش. ظاهر و باطن عباس نورانی بود و چشمگیر و پرجاذبه. ظاهرش هم آیینۀ باطنش بود. سیمای پر فروغ و تابنده اش او را همچون ماه، درخشان نشان می‌داد و در میان بنی هاشم، که همه ستارگان کمال و جمال بودند، ابوالفضل همچون ماه بود؛ از این رو او را «قمر بنی هاشم» می‌گفتند.

در ترسیم سیمای او، تنها نباید به اندام قوی و قامت رشید و ابروان کشیده و صورت همچون ماهش بسنده کرد؛ فضیلت‌های او نیز، که درخشان بود، جزئی از سیمای ابوالفضل را تشکیل می‌داد. از سویی نیروی تقوا، دیانت و تعهدش بسیار بود و از سویی هم از قهرمانان بزرگ اسلام به شمار می‌آمد. زیبایی صورت و سیرت را یکجا داشت. قامتی رشید و برافراشته، عضلاتی قوی و بازوانی ستبر و توانا و چهره‌ای نمکین و دوست‌داشتنی داشت. هم وجیه بود، هم ملیح. آنچه خوبان همه داشتند، او به تنهایی داشت.

وقتی سوار بر اسب می‌شد، به خاطر قامت کشیده اش پاهایش به زمین می‌رسید و چون پای در رکاب اسب می‌نهاد، زانوانش به گوشه‌های اسب می‌رسید. شجاعت و سلحشوری را از پدر به ارث برده بود و در کرامت و بزرگواری و عزت نفس و جاذبه سیمای او رفتار، یادگاری از همه عظمت‌ها و جاذبه‌های بنی هاشم بود. بر پیشانی اش علامت سجود نمایان بود و از تهجد و عبادت و خضوع و خاکساری در برابر «الله» حکایت می‌کرد. مبارزی بود خدا دوست و سلحشوری آشنا با راز و نیازهای شبانه.

قلبش محکم و استوار بود همچون پاره آهن. فکرش روشن و عقیده اش استوار و ایمانش ریشه دار بود. توحید و محبت خدا در عمق جاننش ریشه داشت. عبادت و خداپرستی او آن چنان بود که به تعبیر شیخ صدوق: نشان سجود در پیشانی و سیمای او دیده می‌شد.

ایمان و بصیرت و وفای عباس، آن چنان مشهور و زبانزد بود که امامان شیعه پیوسته از آن یاد می‌کردند و او را به عنوان یک انسان والا و الگو می‌ستودند. امام سجاد(ع) روزی به چهره «عبدالله» فرزند حضرت ابوالفضل(ع) نگاه کرد و گریست. آنگاه با یاد کردی از صحنه نبرد احد و صحنه کربلا از عموی پیامبر (حمزه سیدالشهدا) و عموی خودش (عباس بن علی) چنین یاد کرد: «هیچ روزی برای پیامبر خدا سخت‌تر از روز «احد» نگذشت. در آن روز، عمویش حضرت حمزه که شیر دلاور خدا و رسول بود به شهادت رسید. بر حسین بن علی(ع) هم روزی سخت‌تر از عاشورا نگذشت که در محاصره سبی هزار سپاه دشمن قرار گرفته بود و آنان می‌پنداشتند که با کشتن فرزند رسول خدا به خداوند نزدیک می‌شوند و سرانجام، بی آن‌که به نصایح و خیرخواهی‌های سیدالشهدا گوش دهند، او را به شهادت رساندند.»

آنگاه در یادآوری فداکاری و عظمت روحی عباس(ع) فرمود:

«خداوند، عمویم عباس را رحمت کند که در راه برادرش ایثار و فداکاری کرد و از جان خود گذشت، چنان فداکاری کرد که دو دستش قلم شد. خداوند نیز به او همانند جعفر بن ابی‌طالب در مقابل آن دو دست قطع شده دو بال عطا کرد که با آنها در بهشت با فرشتگان پرواز می‌کند. عباس نزد خداوند، مقام و منزلتی دارد بس بزرگ، که همه شهیدان در قیامت به مقام والای او غبطه می‌خورند و رشک می‌برند.»

آن ایثار و جانبازی عظیم ابوالفضل، پیوسته الهام بخش فداکاری‌های بزرگ در راه عقیده و دین بوده است و جانبازان بسیاری اگر دستی در راه دوست فدا کرده اند، خود را رهپوی آن الگوی فداکاری می‌دانند و اسوة ایثارشان جعفر طیار و عباس بن علی بوده است:

چون اقتدا به جعفر طیار کرده ایم

پرواز ماست با پر جان در فضای دوست

در پیروی ز خط علمدار کربلاست

دستی که داده ایم به راه رضای دوست

بصیرت و شناخت عمیق و پایبندی استوار به حق و ولایت و راه خدا از ویژگی‌های آن حضرت بود. در ستایشی که امام صادق(ع) از او کرده است بر این اوصاف او انگشت نهاده و به عنوان ارزش‌های متبلور در وجود عباس، یاد کرده است:

«كان عمنا العباس نافذ البصيرة صلب الايمان، جاهد مع ابي عبدالله(ع) وابلي بلاءاً حسناً ومضي شهيداً

عموی ما عباس، دارای بصیرتی نافذ و ایمانی استوار بود، همراه اباعبدالله جهاد کرد و آزمایش خوبی داد و به شهادت رسید». و در یکی از زیارتنامه‌های آن حضرت نیز بر این «بصیرت» و اقتدا به شایستگان اشاره شده است «شهادت می‌دهم که تو با بصیرت در کار و راه خویش رفتی و شهید شدی و به صالحان اقتدا کردی»

بصیرت و بینش نافذ و قوی که امام در وصف او به کار برده است، سندی افتخار آفرین برای اوست. این ویژگی‌های والا است که

سیمای عباس بن علی را درخشان و جاودان ساخته است. وی تنها به عنوان یک قهرمان رشید و علمدار شجاع مطرح نبود، فضایل علمی و تقوایی او و سطح رفیع دانش او که از خردسالی از سرچشمه علوم الهی سیراب و اشباع شده بود، نیز درخور توجه است. تعبیر «زُقَّ الْعِلْمُ زَقًّا» که در برخی نقلها آمده است، اشاره به این حقیقت دارد که تغذیه علمی او از همان کودکی بوده است.

مقام فقهاتی او بالا بود و نزد راویان، مورد وثوق به شمار می‌رفت و دارای پارسایی فوق العاده ای بود. تعبیر برخی بزرگان درباره او چنین است:

«عباس از فقیهان و دین شناسانِ اولادِ ائمه بود و عادل، ثقه، با تقوا و پاک بود.»

و به تعبیر مرحوم قاینی: «عباس از بزرگان و فاضلانِ فقهای اهل بیت بود، بلکه او دانای استاد ندیده بود.» این سردار رشید و شهید، علاوه بر آن که خود به لحاظ قرب و منزلتی که نزد پروردگار دارد در قیامت از مقام شفاعت برخوردار است، وسیله شفاعت حضرت زهرا نیز خواهد بود. در روایت است:

در روز رستاخیز، آنگاه که کار سخت و دشوار گردد، پیامبر خدا، حضرت علی را نزد فاطمه خواهد فرستاد تا در جایگاه شفاعت حاضر شود. امیرمؤمنان به فاطمه میگوید: از اسباب شفاعت چه نزد خود داری و برای امروز که روز بی‌تابی و نیازمندی است چه ذخیره کرده ای؟ فاطمه زهرا میگوید: یا علی، برای این جایگاه، دستهای بریده فرزندم عباس بس است.

افتخار بزرگ عباس بن علی این بود که در همه عمر، در خدمت امامت و ولایت و اهل بیت عصمت بود، بخصوص نسبت به اباعبدالله الحسین (ع) نقش حمایتی ویژه ای داشت و بازو و پشتوانه و تکیه گاه برادرش سیدالشهدا بود و نسبت به آن حضرت، همان جایگاه را داشت که حضرت امیر نسبت به پیامبر خدا داشت. در این زمینه به مقایسه یکی از نویسندگان درباره این پدر و پسر توجه کنید:

«حضرت عباس در بسیاری از امور اجتماعی مانند پدر قد مردانگی برافراخت و ابراز فعالیت و شجاعت نمود. عباس، پشت و پناه حسین بود مانند پدرش که پشت و پناه حضرت رسول الله بود. عباس در جنگها همان استقامت، پافشاری، شجاعت، قوت بازو، ایمان و اراده، پشت نکردن به دشمن، فریب دادن و بیم نداشتن از عظمت حریف و انبوهی دشمن را که پدرش در جنگهای اُحد، بدر، خندق، خیبر و غیره نشان داد، در کربلا ابراز داشت.»

عباس، همانطور که علی (ع) همیان نان و خرما به دوش میگرفت و برای ایتم و مساکین می‌برد، او به اتفاق و امر برادر، بسیاری از گرسنگان مکه و مدینه را به همین ترتیب اطعام می‌نمود. عباس، مانند علی (ع) که باب حوایج دربار پیغمبر بود و هرکس روی به ساحت او می‌کرد، اوّل علی را می‌خواند، باب حوایج در استان امام حسین بود و هرکس برای رفع حوایج به دربار حسین (ع) می‌شتافت، عباس را می‌خواند.

عباس مانند پدر که در بستر پیغمبر خوابید و فداکاری کرد در راه پیغمبر، در روز عاشورا برای اطفال و آب آوردن فداکاری کرد. عباس مانند پدر که در حضور پیغمبر شمشیر می‌زد، در حضور برادر شمشیر زد تا از پای در آمد. عباس، همانطور که پدرش به تنهایی به دعوت دشمن رفت، به تنهایی برای مهلت به طرف خیل دشمن حرکت فرموده و مهلت گرفت»